

# خون

دوره ۱۲ شماره ۳ پاییز ۹۴ (۲۷۶-۲۶۶)

مقاله پژوهشی

## جداسازی، تکثیر و تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف انسانی به سلول‌های پروژنیتور عصبی در محیط آزمایشگاهی

حسن رفیعی‌مهر<sup>۱</sup>، مریم خیراندیش<sup>۲</sup>، مسعود سلیمانی<sup>۳</sup>

### چکیده سابقه و هدف

خون بند ناف دارای مزایای فراوانی نسبت به سایر منابع سلول‌های استروممال مزانشیمی است. این مطالعه با هدف فراهم کردن یک دستورالعمل جدید جهت تمایز عصبی سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف انسانی در محیط آزمایشگاه انجام گرفت.

### مواد و روش‌ها

در این مطالعه تجربی، سلول‌های بنیادی مزانشیمی خون بند ناف انسانی پس از جداسازی و تایید مورفولوژیکی، تمایز به رده چربی و استخوان و اینوفنوتایپ، با رتینوئیک اسید، فاکتور رشد فیروblastی، فاکتور رشد عصبی، فاکتور رشد اپیدرمال، اسید اسکوربیک، ایزو بوتیل گزانتین و محیط کشت نوروبازال جهت القای تمایز عصبی تیمار گردید. بیان نسبی ژن‌های اختصاصی عصبی با Real-Time PCR، نرم‌افزار SPSS ۱۱/۵ و REST ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار گرفت.

### نتایج

نتایج نشان داد که سلول‌های استروممال مزانشیمی، دوکی بوده و پتانسیل تمایز به رده چربی و استخوان را دارند. فلوسیتمتری برای CD73 (٪/٪/٪)، CD105 (٪/٪/٪)، CD45 (٪/٪/٪) و HLA-DR (٪/٪/٪) منفی بود. پس از تمایز عصبی و تغییر شکل قابل توجه سلول‌های استروممال مزانشیمی به سلول‌های عصبی، نتایج تعزیزی و تحلیل Real-Time PCR نشان داد که بیان ژن‌هایی نظیر *MBP*, *nestin*, *MAP-2* و *GFAP* به طور معناداری در مقایسه با سلول‌های تمایز نیافته (کنترل) افزایش یافته است ( $p < 0.05$ ).

### نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد، تیمار سلول‌های استروممال مزانشیمی با ترکیبی از فاکتورهای رشد و مواد شیمیایی باعث القای تمایز عصبی شده و می‌تواند باعث افزایش کارآیی سلول درمانی بیماری‌های نوروذنراتیو براساس سلول‌های بنیادی در آینده گردد. هر چند که عملکرد سلول‌های پروژنیتور عصبی به دست آمده قبل از کاربرد بالینی باید در مدل‌های حیوانی ارزیابی شود.

**کلمات کلیدی:** سلول‌های استروممال مزانشیمی، سلول درمانی، تمایز سلولی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۸

۱- دانشجوی PhD هماتولوژی و بانک خون - مرکز تحقیقات انتقال خون - مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی طب انتقال خون - تهران و دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان - همدان - ایران

۲- مؤلف مسئول: PhD ایمونولوژی - دانشیار مرکز تحقیقات انتقال خون - مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی طب انتقال خون - تهران - ایران - صندوق پستی: ۱۴۶۶۵-۱۱۵۷

۳- PhD هماتولوژی و بانک خون - دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس - تهران - ایران

مقدمه

علت بیان بالای ویروس، میزان بیان HLA-ABC بیشتر، روش‌های دردناک و تهاجمی جمع آوری نمونه و... لزوم شناسایی منابع دیگر MSCs را اثبات می‌کنند. سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف در مقایسه با مغز استخوان به دلایلی مانند: پتانسیل ایمونوژنیک کمتر، نداشتن واکنش پیوند علیه میزبان، قابلیت بیشتر تمایز به سلول عصبی، دسترسی سریع و جمع آوری آسان آن، به عنوان یکی از منابع جایگزین سلول‌های استروممال مزانشیمی مغز استخوان مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته است. سلول‌های استروممال مزانشیمی امروزه به عنوان یک ابزار نویدبخش در بیماری‌های نورودژنراتیو مورد توجه قرار گرفته است(۵-۷). چالش‌هایی مانند، احتمال تشکیل تومور و بافت‌های ناخواسته، موجب گرایش محققان به تمایز عصبی سلول‌های استروممال مزانشیمی آن و استفاده از سلول‌های پیش‌ساز عصبی مشتق از سلول‌های استروممال مزانشیمی گردیده است(۸-۱۰).

در سال ۲۰۰۰ میلادی، تمایز عصبی سلول‌های استروممال مزانشیمی با انتشار چهار مقاله، دو تا مربوط به تمایز در محیط آزمایشگاهی و دو مقاله دیگر مربوط به تمایز عصبی در محیط بدن، توجه محققان را به خود جلب کرد(۱۱-۱۴). اگر چه تمایز عصبی سلول‌های استروممال مزانشیمی توسط برخی از محققان به چالش کشیده شد، اما گروهی دیگر از محققان تمایز عصبی را تایید کردند(۱۵). محققانی که معتقد تمایز عصبی در آزمایشگاه یا در محیط بدن بودند، ادعا می‌کردند سلول‌های شبه عصبی ناشی از سلول‌های استروممال مزانشیمی واقعیت ندارد و بیشتر آرتیفیکت هستند و برخی از معتقدان تمایز عصبی هم ادعا کردند که کسب فنوتیپ عصبی توسط این سلول‌ها در محیط بدن به علت تمایز عصبی نیست، بلکه ناشی از ادغام این سلول‌ها با سلول‌های میزبان می‌باشد(۱۶، ۱۷). به هر حال با این گزارش‌ها، اولین نوید در زمینه کاربردی کردن این نوع از سلول‌های بنیادی در درمان بیماری‌های نورودژنراتیو داده شد. با توجه به تاریخچه موجود در زمینه تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی به سلول‌های عصبی می‌توان به این نتیجه رسید که هنوز دستورالعمل استانداردی به منظور تمایز عصبی و تولید سلول‌های

تولید سیگنال‌های التهابی و تخریب اولیگو‌دندروسیت‌ها و آکسون‌ها در بیمارهای نورودژنراتیو باعث می‌شوند که میلین‌سازی مجدد رخ ندهد. داروهای فعلی که در دو دهه اخیر برای بیمارهای نورودژنراتیو مانند مولتیپل اسکلروزیس مورد تایید قرار گرفته و استفاده می‌شود، عمدتاً نرخ عود بیماری را کاهش می‌دهند و تاثیر چندانی بر توقف پیشرفت بیماری و ترمیم بافت عصبی یا افزایش روند رمیلینه شدن ندارند(۱، ۲). امروزه سلول درمانی بر اساس سلول‌های بنیادی در بیمارهای نورودژنراتیو مورد توجه زیادی قرار گرفته است. بدین منظور مطالعه‌های وسیعی در کلینیک و مدل‌های حیوانی انجام شده و ادامه دارد(۳).

ملحوظات اخلاقی، مشکلات تکنیکی و ایمونولوژیکی، استفاده از سلول‌های بنیادی جنینی و عصبی را با چالش مواجه کرده است(۴). سلول‌های استروممال مزانشیمی (mesenchymal stromal cells: MSCs) مشکلات مربوط به سلول‌های بنیادی عصبی(NSCs) و سلول‌های بنیادی جنینی(neural stem cells: ESCs) و سلول‌های طرفداران زیادی(embryonic stem cells) امروزه پیشگیرانه‌ترین راه برای تولید سلول MSC، غیر هماتopoئیک با توانایی خودنوسازی و تمایز به سلول‌های رده مزو درم، اکتودرم و آندودرم هستند و از بافت‌های پیوندی مختلف بدن می‌توان آن‌ها را جدا کرد. MSC از نظر مورفو‌لوزی فیبروبلاست مانند (دوکی شکل) بوده و با بیان مارکرهای آنتی‌ژنی سطحی (CD90، CD105، CD73 و CD106)، عدم بیان مارکرهای CD45، CD11bc و CD34 مشخص می‌شوند. سلول‌های مزانشیمی، سلول‌های NK و عملکرد سلول‌های T سیتوتوکسیک را سرکوب می‌کنند. تولید سلول‌های Th-1 و Th-17 را مهار کرده و باعث تحیریک تولید سلول‌های T تنظیم‌کننده(Treg) می‌شود. سلول‌های استروممال مزانشیمی می‌توانند به سیستم عصبی مرکزی مهاجرت نموده و جایگزین بافت آسیب دیده شوند و می‌توانند با ترشح فاکتورهای پاراکرینی، از نورون در برابر استرس‌های اکسیداتیو حمایت کنند(۵-۷). مغز استخوان در دسترس‌ترین و متداول‌ترین منبع MSC می‌باشد اما به

بررسی ایمونوفوتایپ سلولی: به منظور بررسی مارکرهای سطحی، سلول‌های تریپسینه شده (از پاساژ سوم سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف) در ۱ میلی لیتر محلول (Buffered Phosphate Buffered Saline PBS) سوسبانسیون شدند. ۵۰ میکرولیتر از سلول‌ها را با ۵ میکرولیتر از آنتی‌بادی‌های HLA-DR، CD34 و آنتی‌بادی‌های CD105 کثروگه با فیکوارتیرین (PE) و آنتی‌بادی‌های CD90، CD73 و CD45 کثروگه با فلورسین ایزوتوپیوسیانات (FITC) و برای کنترل منفی با آنتی‌بادی‌های IgG1 و FITC-IgG1 محلوط شدند (آنتی‌بادی‌ها مریبوط به شرکت بیوساینس - امریکا بود) و به مدت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در ۴ درجه سانتی‌گراد و در تاریکی انکوبه شدند. در مرحله بعد سلول‌ها با ۰.۲٪ PBS-BSA شستشو داده شدند و در ۵۰۰ میلی لیتر PBS سوسبانسیون شدند و در انتهای به منظور فیکس شدن سلول‌ها، ۵۰ میکرولیتر پارافرم آلدید ۱٪ به لوله‌ها اضافه و با دستگاه فلوسیتومتری تجزیه و تحلیل شدند.

تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی به رده چربی: برای تمایز به رده چربی از سلول‌های پاساژ ۳-۵ استفاده گردید. بعد از شمارش سلولی، تعداد  $1 \times 10^4$  سلول به همراه ۱ میلی لیتر محیط کشت DMEM-LG حاوی سرم ۱۰٪ به چاهک‌های پلیت ۲۴ خانه‌ای افزوده شد و در انکوباتور با دمای ۳۷ درجه سانتی‌گراد دارای رطوبت و ۵٪  $\text{CO}_2$  قرار داده شد. هنگامی که تراکم سلول‌ها به ۶۰٪ رسید، محیط کشت DMEM-LG خالی شد و ۱ میلی لیتر از محیط تمایز به چربی شامل دگرامتاژون، انسولین و ایندومتاسین و ایزو بوتیل متیل گزانتین به پلیت ۲۴ خانه‌ای افزوده شد. پلیت دوباره در انکوباتور قرار داده شد. به مدت ۳ هفته، محیط تمایزی هر ۳ روز یک بار تعویض شد. بعد از ۲۱ روز، تمایز سلول‌ها با رنگ‌آمیزی اویل رد مورد بررسی قرار گرفت.

تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی به رده استخوانی: برای تمایز به استئوبلاست از سلول‌های پاساژ ۳-۵ استفاده گردید. به طور خلاصه بعد از شمارش سلولی،

عصبی در مقیاس بالا برای مصارف بالینی گزارش نشده است. در این مطالعه ضمن تنظیم دستورالعمل جدید برای تمایز عصبی سلول‌های استروممال مزانشیمی، اثرات هم زمان و ترکیبی برخی از فاکتورهای رشد و مواد شیمیایی با روش Real Time-PCR بررسی گردید.

## مواد و روش‌ها

جداسازی سلول‌های استروممال مزانشیمی از خون بند ناف: در این مطالعه تجربی، سلول‌ها از خون بند ناف پس از دریافت فرم رضایت‌نامه جدا شدند. ابتدا سلول‌های تک هسته‌ای خون بند ناف (Mono nuclear cells = MNCs) بر اساس دستورالعمل کوگلر و همکارانش استخراج و پاساژ داده شدند (۱۸، ۱۹). به طور خلاصه MNCs خون بند ناف با استفاده از فایکول (۱/۰۷۷، سیگما، آمریکا) با سانتریفوژ شبی غلطی جداسازی و در فلاسک  $25 \text{ cm}^2$  ۲۵ حاوی ۶ میلی لیتر محیط کشت DMEM-LG با ۱۰٪ FBS در دمای ۳۷ درجه سانتی‌گراد و  $5\% \text{ CO}_2$  (سیناژن، ایران) در دمای ۳۷ درجه سانتی‌گراد و  $5\% \text{ CO}_2$  کشت داده شد. ۴۸ ساعت پس از آغاز کشت، سلول‌های غیر چسبنده به وسیله تعویض محیط کشت حذف شدند و سلول‌های چسبنده باقی ماندند. تعویض محیط کشت سلولی با فاصله زمانی ۳ روز موجب حذف سلول‌های غیر چسبنده شد. در نهایت سلول‌های استروممال مزانشیمی حاصل از پاساژ سوم برای آزمایش‌های نهایی فراهم شدند.

تعیین درصد زنده بودن سلول‌ها (*Viability test*):

حدود ۵۰ میکرولیتر از سوسبانسیون سلولی را با ۳۰ میکرولیتر از رنگ تریپان‌بلو  $1/4\%$  محلوط کرده پس از ۳۰ ثانیه، یک قطره از این محلوط را برداشته و با استفاده از لام نئوبار در خانه‌های مریبوط به شمارش گلbulول‌های سفید شمارش شدند. رنگ تریپان‌بلو در سلول‌های مرده نفوذ کرده و آن‌ها را آبی رنگ می‌کند اما وارد سلول‌های زنده نمی‌شود. به این ترتیب درصد سلول‌های زنده به دست می‌آید. در مطالعه حاضر، درصد زنده بودن (viability) سلول‌ها با رنگ‌آمیزی تریپان‌بلو بیش از ۹۰٪ بود.

(کترل) از نظر بیان ژن‌های اختصاصی عصبی مورد بررسی قرار گرفتند. RNA سلول‌های آزمایش و کترل با کیت RNX-Plus (سیناژن)، بر اساس دستورالعمل‌های کیت، جداسازی شده و جهت ادامه آزمون‌ها در فریزر -۷۰ درجه سانتی گراد نگهداری شد. برای رفع آلودگی احتمالی DNA نیز، نمونه‌های استخراج شده با آنزیم DNase1 (فرمتاز) تیمار شدند. سپس میزان RNA به وسیله دستگاه اسپکتروفوتومتر(نانودراب) تعیین گردید. از روی RNA استخراج شده، cDNA در واکنش رونویسی معکوس (RT-) (PCR) با استفاده از آغازگر هگزامر رندوم و آنزیم ترانس کریپتاز مطابق با دستورالعمل ساخت cDNA (سیناژن) تهیه گردید. در ادامه با آغازگرهای اختصاصی ژن‌های عصبی، واکنش‌های زنجیره‌ای پلیمراز (PCR) مطابق با دستورالعمل کیت تاکارا و با دستگاه ترمال سایکلر انجام شد. محصول نهایی PCR در ژل آگاروز ۰.۲٪ الکتروفورز شده و با رنگ Sybersafe مورد ارزیابی قرار گرفت(جدول ۱).

جدول ۱: اجزای مورد نیاز جهت Real Time PCR

غلهظت	اجزا
۶/۵ $\mu\text{L}$	MasterMix syber green (amplicon)
۱۰ pmol (۱ $\mu\text{L}$ )	Primer F+R
۱ $\mu\text{L}$	(Template) ۱*10 <sup>3</sup> ng (cDNA)
Up to ۱۳ $\mu\text{L}$ (۴/۵ $\mu\text{L}$ )	Distilled Water

تایید تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی به رده عصبی با روش Real-Time PCR:

بیان کمی mRNA ژن‌های عصبی *nestin*، *MBP*، *GFAP* و *MAP2* در نمونه‌های حاصل از cDNA به دست آمده از سلول‌های کشت داده شده تحت شرایط تمایز عصبی پس از ۶ روز بررسی گردید. مراحل انجام آزمایش و نحوه ساخت مستر میکس و برنامه دمایی واکنش طبق دستور عمل ذکر شده در کیت Syber-Detect MMX (کانادا، آلفایبو) می‌باشد. به طور خلاصه، ابتدا cDNA ساخته شده در مرحله قبل را با DEPC Water به نسبت ۱ به ۲ رقیق می‌کنیم. بعد از رقیق کردن، فلوسیتومتری

تعداد  $1 \times 10^4$  سلول به همراه ۱ میلی لیتر محیط کشت DMEM-LG حاوی سرم ۱۰٪ به چاهک‌های پلیت ۲۴ خانه‌ای افزوده شد و در انکوباتور با دمای ۳۷ درجه سانتی گراد دارای رطوبت و ۵٪  $\text{CO}_2$  قرار داده شد. هنگامی که تراکم سلول‌ها به ۶۰٪ رسید، محیط کشت DMEM-LG خالی شد و ۱ میلی لیتر از محیط تمایز به استخوان شامل دگزامتاژون، گلیسروول دو فسفات و اسید آسکوربیک دو فسفات، به پلیت ۲۴ خانه‌ای افزوده شد. پلیت دوباره در انکوباتور قرار داده شد. به مدت ۲۰ روز، محیط تمایزی هر ۳ روز یک بار تعویض شد. بعد از ۲۰ روز، تمایز سلول‌ها با رنگ آمیزی آلیزارین رد مورد بررسی قرار گرفت.

تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی به رده عصبی: برای تمایز به رده عصبی از سلول‌های پاساژ ۳-۵ مطابق دستورالعمل با کمی تغییر استفاده گردید(۲۰، ۲۱). به طور خلاصه هنگامی که تراکم سلولی در فلاسک  $75 \text{ cm}^2$  حاوی محیط کشت DMEM-HG به ۷۰٪ رسید، تریپسینه گردید. بعد از شمارش سلولی، تعداد  $1 \times 10^4$  سلول به همراه ۱ میلی لیتر محیط کشت حاوی سرم ۱۰٪ به چاهک‌های پلیت ۲۴ خانه‌ای افزوده شد و در انکوباتور با دمای ۳۷ درجه سانتی گراد دارای رطوبت و ۵٪  $\text{CO}_2$  قرار داده شد. هنگامی که تراکم سلول‌ها به ۶۰٪ رسید، محیط کشت خالی شد و ۱ میلی لیتر از محیط تمایز عصبی: رتینوئیک اسید ۵ میکرومولار، فاکتور رشد اپیدرمال ۱۰ نانوگرم در میلی لیتر، فاکتور رشد عصبی ۱۰ نانوگرم در میلی لیتر، ایزوبوتیل متیل گراتین ۰/۵ میلی مولار و آسکوربیک اسید ۱۰۰ میکرومولار به پلیت ۲۴ خانه‌ای افزوده شد. پلیت دوباره در انکوباتور قرار داده شد. محیط تمایزی هر ۳ روز یک بار تعویض شد. در زمان‌های مختلف مورفوЛОژی سلول‌ها و به منظور تایید تمایز سلول‌ها، بیان ژن‌های اختصاصی عصبی با روش Real Time-PCR بررسی گردید.

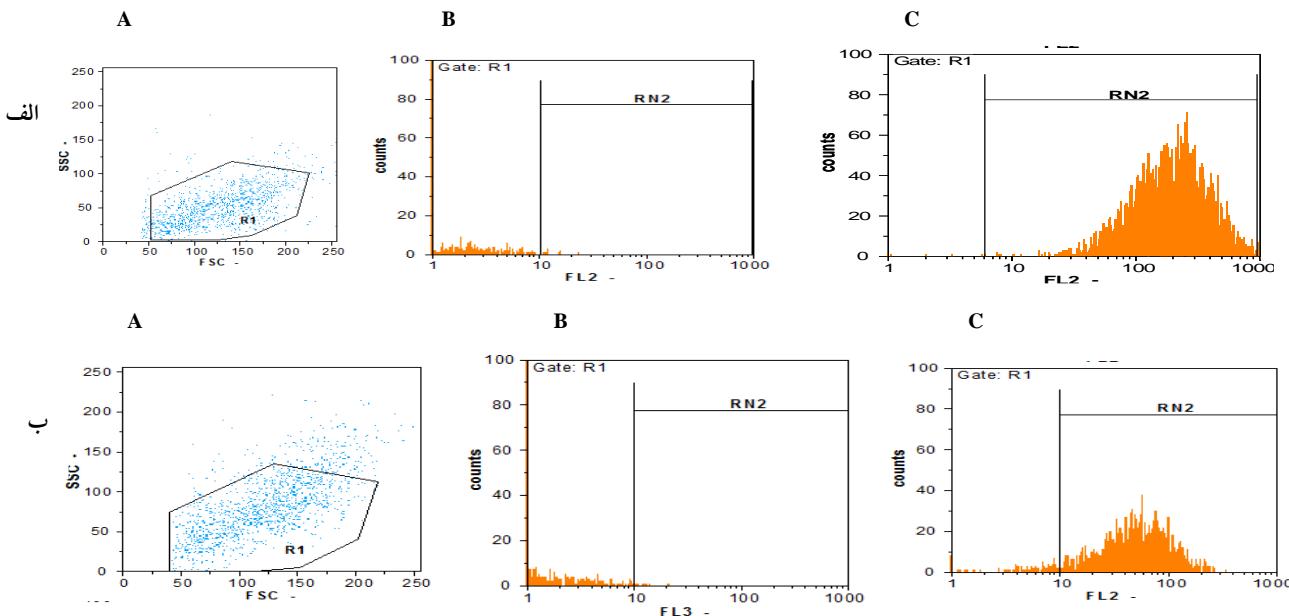
#### آنالیز RT-PCR:

سلول‌های تمایز یافته(آزمایش) و سلول‌های تمایز نیافته

سلول‌های رده مزانشیمی و عصبی، به ترتیب فلوسیتومتری، رنگ‌آمیزی اختصاصی و PCR انجام گرفت.

**بررسی ایمونوفوتایپ سلولی:**  
نتایج مربوط به بیان ساخته‌ها یا مارکرهای سطحی سلول‌های استرومال مزانشیمی در نمودار ۱ نشان داده شده و یافته‌ها با استفاده از برنامه آماری SPSS ۱۱/۵ بررسی شده‌اند.

**بررسی پتانسیل تمایزی سلولی:**  
سلول‌های استرومال مزانشیمی خون بند ناف (برگرفته از پاساز<sup>(۳)</sup>) که تحت تاثیر تمایز آدیپوسیتی قرار گرفته بودند، به علت حضور واکوئل‌های چربی با رنگ‌آمیزی Oil-Red-O واکنش مثبت نشان دادند(شکل ۱). هم چنان سلول‌های استرومال مزانشیمی خون بند ناف که به مدت دو هفته در محیط تمایز به استخوان قرار گرفته بودند، ابتدا تغییرات مورفولوژی را نشان داده سپس به علت رسوب کلسیم در سطح سلول(معدنی شدن)، با رنگ‌آمیزی اختصاصی آلizarین رد به رنگ قرمز درآمدند(شکل ۱). سلول‌های استرومال مزانشیمی خون بند ناف پس از تمایز عصبی، از شکل دوکی خارج شده دارای سیتوپلاسم کشیده با جسم سلولی کوچک و دارای یک یا چند زوائد سیتوپلاسمی گردیدند(شکل ۱).



مختصر می‌گردد. تمامی مراحل بر روی بلوک یخ انجام می‌شود. قبل از استفاده از آنزیم و مستر میکس، آن‌ها را فلوسیتومتری کرده و بر روی بلوک یخ قرار می‌دهیم. در مرحله بعد به تعداد نمونه‌ها در یک میکروتیوب جداگانه محلول کاری درست می‌کنیم و در دستگاه ترمال سایکلر Corbett Science Rotor-Gene 6000 قرار می‌دهیم(جدول ۲).

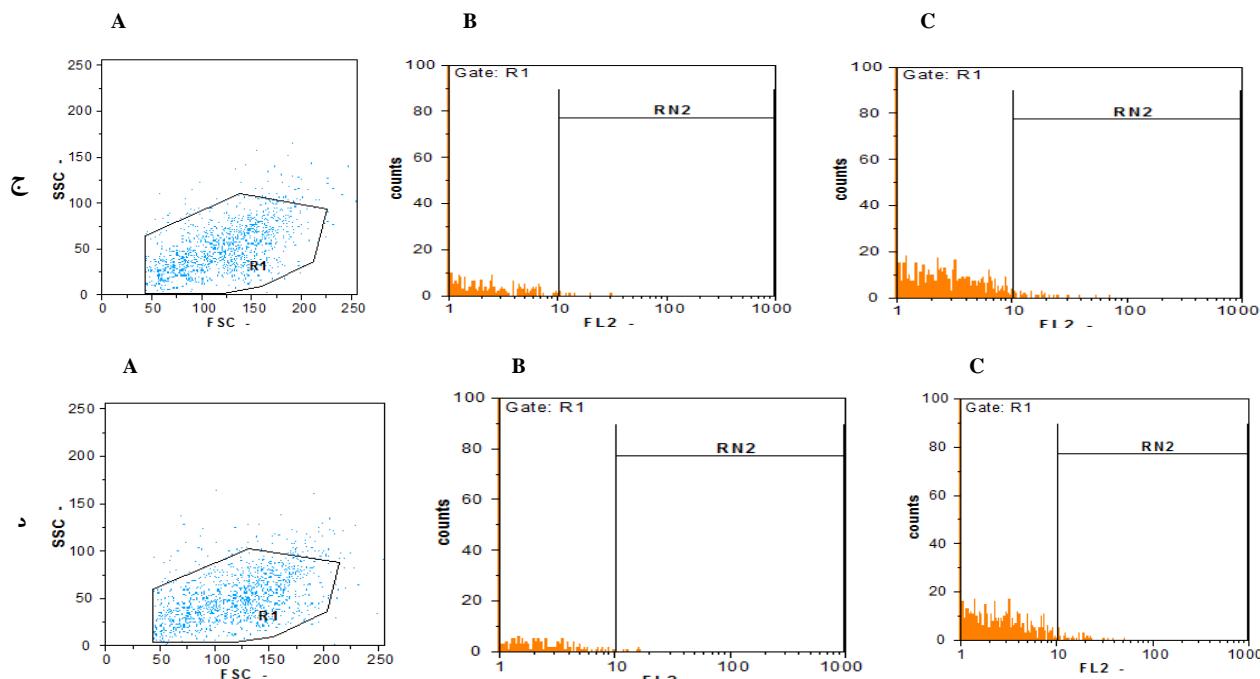
جدول ۲ : مراحل واکنش 2 Step-Real-Time PCR اجرا شده برای بررسی بیان مارکرهای عصبی

مرحله	زمان	دما	سیکل
داناتوره اولیه	سانتی گراد	۹۵ درجه	۱ ثانیه
داناتوره	سانتی گراد	۹۵ درجه	۵ ثانیه
اتصال آغازگرها و گسترش	سانتی گراد	۶۰ درجه	۳۰ ثانیه

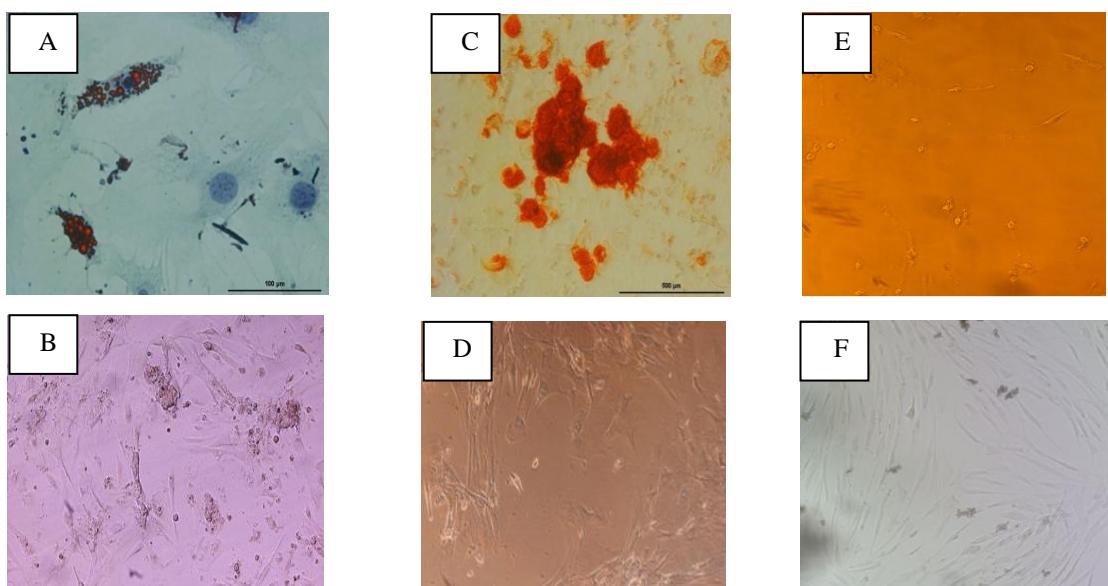
نتایج بیان نسبی ژن‌های اختصاصی عصبی توسط نرم‌افزار دستگاه Real-Time PCR استخراج و معناداری نتایج با نرم‌افزار REST 2009 و SPSS ۱۱/۵ مشخص گردید.

#### یافته‌ها

برای اطمینان از میزان خلوص سلول‌های استرومال مزانشیمی جدا شده از خون بند ناف و توان تمایزی به



نمودار ۱: بررسی مارکرهای اختصاصی سلول استروممال مزانشیمی خون بند ناف. همان طوری که در شکل دیده می‌شود، این سلول‌ها مارکرهای اختصاصی سلول استروممال مزانشیمی CD73 و CD105 را بیان می‌کنند ولی از نظر مارکرهایی مانند HLA-DR، CD45 منفی می‌باشند. A: توزیع جمعیت سلول استروممال مزانشیمی (الف، ب، ج و د). B: نمودار کترل ایزووتیپ آنتی-زن CD73 (الف)، CD105 (ب)، CD45 (ج) و HLA-DR (د). C: نمودار بیان آنتی-زن CD73 (الف)، CD105 (ب)، CD45 (ج) و HLA-DR (د).



شکل ۱: توانایی تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف در اثر اضافه کردن فاکتورهای القایی قابل مشاهده است. شکل A و B به ترتیب نشان‌دهنده سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف بعد از القای آدیپوژنیک و قبل از القا است. تمایز به رده چربی که از گرانول‌های چربی رنگ شده با oil red مشخص شده است. شکل C و D به ترتیب نشان‌دهنده سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف بعد از القای استئوژنیک و قبل از القا است. تمایز به رده استخوانی که از طریق رسوب کلسیم رنگ شده با آلبومین رد مشخص شده است. شکل E و F به ترتیب نشان‌دهنده سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف بعد از القای نوروژنیک و قبل از القا است. تمایز به رده عصبی که از طریق زوائد دندریتی شکل، سیتوپلاسم کشیده و جسم سلولی کوچک مشخص شده است (بزرگنمایی X ۱۰۰).

جدول ۳: مشخصات آغازگرهای طراحی شده برای بررسی بیان ژن‌های اختصاصی عصبی در سطح سلول استروممال مزانشیمی تمایز یافته

چرخه	Amplicon size (bp)	آغازگر معکوس	آغازگر جلوبرنده	مارکرها
۲۵	۹۷	CAT TCT CTC TTC AGC CTT CTC	AGT TCC AGC AGC GTG ATG	MAP2
۲۵	۱۲۷	ACT CCT TAA TGA CCT CTC CAT C	GCA GAC CTT CTC CAA CCT G	GFAP
۲۵	۱۷۹	ACT CCC TTG AAT CCC TTG TG	ACC CCG TAG TCC ACT TCT TC	MBP
۲۵	۹۶	CCT CTT CTC CCC ATA TTT CCT G	GAA GGT GAA GGG CAA ATC TG	Nestin

جدول ۴: میزان بیان ژن‌های اختصاصی عصبی در سطح سلول استروممال مزانشیمی تمایز یافته با روش Real-Time PCR  
(با استفاده از نرم‌افزار REST ۲۰۰۹ V2 ۰/۱۳)

Result	P(H1)	CI %/95	Std. Error	Expression	Reaction Efficiency	انواع	ژن‌ها
Up	۰/۰۰۰	۴/۴۸۱-۲۲/۱۲۴	۶/۶۱۱-۱۶/۸۸۰	۹/۷۱۴	۱/۰	TRG	MAP-2 (n = ۲)
Up	۰/۰۰۰	۲۸/۶۴۱-۱۰۷/۸۸۳	۳۹/۹۰۹-۸۴/۷۱۳	۵۴/۵۶۹	۱/۰	TRG	GFAP (n = ۲)
	۰/۶۸۰	۰/۱۵۵-۵/۵۸۹	۰/۳۳۲-۳/۷۱۸	۰/۸۵۰	۱/۰	TRG	nestin (n = ۲)
UP	۰/۰۰۰	۱/۱۲۷-۸/۷۹۰	۱/۶۹۲-۶/۶۴۹	۳/۰۶۳	۱/۰	TRG	MBP (n = ۲)

P(H1) -Probability of alternate hypothesis that difference between sample and control groups is due only to chance.

می‌شوند. مروری بر مطالعه‌های انجام شده نشان می‌دهد که تاکنون القای تمایز عصبی در رده‌های مختلفی از سلول‌های بنیادی از جمله سلول‌های استروممال مزانشیمی، سلول‌های بنیادی جنینی و سلول‌های بنیادی عصبی انجام گرفته است(۵). از سال ۲۰۰۰ وقتی وود بری و همکاران در *in vitro* و برازلتون و همکاران در *in vivo* تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی به سلول عصبی را گزارش کردند، تحقیقات در زمینه سلول درمانی و ترمیم بافت عصبی در بیماری‌های نوروژنراتیو توسعه وسیعی پیدا کرد(۱۲، ۱۱). با این وجود هنوز چالش‌ها و نگرانی‌های زیادی در مورد چگونگی تعامل، کارآیی و ایمن بودن سلول‌های القا شده همانند خود سلول‌های استروممال مزانشیمی وجود دارد.

در مطالعه حاضر به دلیل ویژگی‌های مانند ظرفیت تکثیر و تمایز نوروزنیک بیشتر و روند کند پیری نسبت به سلول‌های استروممال مغز استخوان و دیگر منابع شناخته شده، از سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف برای القای عصبی استفاده گردید(۶). در این پژوهش پس از ۶ روز تیمار با رتینوئیک اسید، فاکتور رشد فیبروبلاستی،

بررسی کمی بیان ژن‌های اختصاصی عصبی: بیان کمی mRNA ژن‌های عصبی *MBP*، *Nestin* (، *GFAP* و *MAP2*) با استفاده از cDNA حاصل از سلول‌های پروژنیتور عصبی با quantitative Real-Time PCR با REST-2009 مورد ارزیابی قرار گرفت. ژن‌های نامبرده در سلول‌های گروه آزمایش به خوبی بیان شده‌اند در حالی که در سلول‌های کنترل (سلول‌های غیر تمایز یافته)، بیان ژن‌های عصبی دیده نشد. نتایج آنالیز از طریق نرم‌افزار REST-2009 نشان داد که میزان بیان *MAP2*، *GFAP* و *MBP* در سلول‌های پروژنیتور عصبی نسبت به سلول‌های استروممال مزانشیمی افزایش معناداری دارد اما ژن *nestin* در سلول‌های گروه آزمایش نداشت. هم چنین آنالیز آماری نشان داد که بیشترین بیان ژنی مربوط به *GFAP* و کمترین بیان ژنی مربوط به *nestin* می‌باشد (جداول ۳ و ۴).

### بحث

امروزه سلول‌های بنیادی مزانشیمی (MSCs) به عنوان یک منبع سلولی ایده‌آل در رابطه با سلول درمانی شناخته

داد که سلول‌ها بعد از القا حدود ۹۰٪ مارکر نستین، ۴۱٪ مارکر توبولین و ۶۷٪ مارکر GFAP را بیان می‌کنند. تغییرات مورفولوژیکی نیز در راستای نتایج حاصل از آنالیزهای فلوسیتومتری بودند(۲۶). کشافی و همکاران در سال ۲۰۱۳ برای بررسی تمایز سلول‌های استروممال مزانشیمی بافت سینوپریوم به سلول‌های شبه عصبی در محیط آزمایشگاهی، از RT-PCR استفاده کردند. بدین منظور سلول‌های استروممال مزانشیمی سه روز با مرکاپتواتانول و رتینوئیک اسید تیمار گردیدند(۲۷).

در مطالعه‌های گذشته از مواد شیمیابی مانند بتامرکاپتواتانول و دی‌متیل سولفوكساید برای تمایز عصبی استفاده گردیده است(۱۴، ۱۲، ۱۱). اما مطالعه‌های اخیر نشان می‌دهد که القاکننده‌های شیمیابی باعث بیان ناپایدار ژن‌های عصبی و مرگ زودرس سلول در آزمایشگاه شده که این امر موجب کاهش کارآیی سلول درمانی خواهد شد. هم چنین نتایج ضد و نقیض در عملکردی بودن سلول‌های القا شده با این روش گزارش گردیده است. با این وجود هنوز استراتژی و دستورالعمل استاندارد در خصوص جداسازی، کشت و تمایز عصبی ارایه نشده است. با توجه به تجربیات گذشته، در بررسی حاضر سعی شد با اصلاح دستورالعمل‌های رایج تمایز عصبی، تنظیم دستورالعمل جدید(حاوی رتینوئیک اسید، فاکتور رشد فیبروبلاستی، فاکتور رشد عصبی، فاکتور رشد اپیدرمال، اسید اسکوربیک و ایزو بوتیل متیل گزانتین) و استفاده از نوروبالزال مدیوم و پر تکرارترین فاکتورهای رشد و مواد شیمیابی، روش کارآمدتری برای القای تمایز در سلول‌های استروممال مزانشیمی انتخاب گردد. در این پژوهش با حذف بتامرکاپتواتانول(به علت القای مرگ سلولی) و استفاده از دستورالعمل تنظیم شده، بعد از ۲۴ ساعت تغییر شکل سلول‌ها به سمت عصبی دیده شد و از سلول‌های روز ششم تمایز، جهت آنالیز دقیق‌تر مورفولوژی و بیان پایدارتر و مداومتر ژن‌های عصبی استفاده گردید. احتمالاً عواملی مانند نوع سرم استفاده شده جهت تکثیر و تمایز سلولی، نوع و غلظت مواد القاگر، دستورالعمل تمایز، منبع سلول، نحوه جمع‌آوری و پردازش سلولی و روش تایید تمایز عصبی از علل تناقض در نتایج مطالعه‌های مختلف تمایز

فاکتور رشد عصبی، فاکتور رشد اپیدرمال، اسید اسکوربیک و ایزو بوتیل متیل گزانتین، بیان برخی ژن‌های اختصاصی عصبی با RT-PCR و Real-Time PCR، نشان داد که nestin در سلول‌های مزانشیمی تیمار شده تفاوت معناداری با سلول‌های مزانشیمی تیمار نشده(گروه کنترل) ندارد در حالی که میزان بیان مارکرهای MAP-2، GFAP و MBP تفاوت معناداری در مقایسه با گروه کنترل داشت. کمترین بیان ژنی مربوط به nestin و بیشترین بیان مربوط به GFAP بود(جدول ۴). هم چنین نتایج تحقیق نشان داد که رتینوئیک اسید در مقایسه با دیگر فاکتورها نقش مهم‌تری در تمایز و هویت سلول‌های پروژنیتور به دست آمده دارد به طوری که در غاظت یک تا ۵ میکرومولار باعث تولید سلول نورونی و در حضور غاظت پایین رتینوئیک اسید (۰/۲ میکرومولار)، عمدتاً باعث تولید سلول‌های GFAP مثبت می‌گردد. در اکثر مطالعه‌های مشابه برای تایید تمایز عصبی از روش‌هایی مانند فلوسیتومتری، ایمنو سیتوشیمی و وسترن بلات برای تایید تمایز استفاده گردیده است اما در این مطالعه برای اولین بار برای تایید تمایز از روش-Real Time PCR استفاده گردید که تاکنون گزارش مشابهی منتشر نشده است.

دنگ و همکاران در سال ۲۰۰۱ و هو و همکاران در سال ۲۰۰۳ گزارش کردند که سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف تحت تاثیر dbcAMP و ایزو بوتیل متیل گزانتین توانایی تمایز به سلول‌های شبه عصبی را دارند(۲۲، ۲۳). اسکار و همکاران در سال ۲۰۰۴ نشان دادند که در حضور فاکتور رشد عصبی، رتینوئیک اسید، هیدروکورتیزون و مرکاپتواتانول، سلول‌های استروممال مزانشیمی مشتق از خون بند ناف به سلول‌های پروژنیتور عصبی تمایز می‌یابند(۲۴). سال ۲۰۰۶ تروپل و همکاران عملکرد سلول‌های عصبی تمایز یافته از سلول‌های استرومایی مغز استخوان را نشان دادند(۲۵). نعمتی و همکاران در سال ۲۰۰۹ جهت بررسی میزان بیان مارکرهای اختصاصی سلول‌های بنیادی عصبی در سلول‌های استروممال مزانشیمی مغز استخوان، پس از یک هفتۀ تیمار با فاکتور رشد عصبی و فاکتور رشد اپیدرمال و رتینوئیک اسید، از فلوسیتومتری استفاده کردند. یافته‌های فلوسیتومتری نشان

ترکیبی از فاکتورهای رشد و عوامل شیمیایی استفاده کرد. کاربرد ترکیبی مواد شیمیایی و فاکتورهای رشد و کنترل غلطت بهینه آنها می‌تواند راهکار جدیدی جهت القای تمایز عصبی و کنترل هویت سلول‌های پروژنیتور عصبی مشتق از سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف در آزمایشگاه باشد. به نظر می‌رسد با توجه به قدرت تکثیر بالا، روند کند پیری و تمایز نوروزنیک، بیشتر سلول‌های استروممال مزانشیمی خون بند ناف کاندید مناسبی جهت تمایز به سایر سلول‌ها از جمله سلول‌های نورونی و در نتیجه قابل استفاده در مطالعه‌های کلینیکی، دستورالعمل‌های سلول درمانی و مهندسی بافت باشد.

### تشکر و قدردانی

این پژوهش در قالب پایان‌نامه، با مساعدت مالی مرکز تحقیقات مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی طب انتقال خون و حمایت مرکز تحقیقات و فناوری بن‌یاخته انجام گردید. نویسنده‌گان، از پرسنل محترم بخش پاتولوژی مرکز تحقیقات سازمان انتقال خون و خانم توکلی (مرکز تحقیقات و فناوری بن‌یاخته)، به دلیل همکاری صمیمانه در انجام این تحقیق، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

عصبي توسط محققان می‌باشد (۲۸، ۱۲، ۱۱). سلول‌های پروژنیتور عصبی مشتق از سلول استروممال مزانشیمی در مقایسه با خود سلول مزانشیمی، علاوه بر حفظ خصوصیات تعديل ایمنی و حفاظت عصبی، به علت متعهد شدن به رده عصبی در آزمایشگاه و احتمال بسیار کمتر در تشکیل رده مزانشیمی (بافت ناخواسته) پس از پیوند، می‌تواند به عنوان کاندید مناسب‌تری در سلول درمانی اماس باشد. هر چند انجام تحقیقات وسیع‌تر در شناسایی مناسب‌ترین روش جداسازی و منبع سلول، تعیین غلطت بهینه فاکتورهای القاگر عصبی، ارزیابی هویت واقعی سلول‌های القا شده در محیط آزمایشگاهی و بررسی ایمنی و کارآیی آنها در مدل حیوانی قبل از کاربرد بالینی ضروری می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های این مطالعه نشان داد سلول‌های استروممال مزانشیمی جدا شده از خون بند ناف توانایی تمایز به سلول‌های نورونی را دارند و هویت سلول به دست آمده به نوع روش القا بستگی دارد. به منظور به دست آوردن نتیجه مناسب تمایز عصبی، لازم است که از

### References :

- 1- Etemadifar M, Sajjadi S, Nasr Z, Firoozeei TS, Abtahi S-H, Akbari M, et al. Epidemiology of multiple sclerosis in Iran: a systematic review. Eur Neurol 2013; 70(5-6): 356-63.
- 2- Kingwell E, Marriott JJ, Jetté N, Pringsheim T, Makhami N, Morrow SA, et al. Incidence and prevalence of multiple sclerosis in Europe: a systematic review. BMC Neurol 2013; 13(1): 128.
- 3- Milo R, Miller A. Revised diagnostic criteria of multiple sclerosis. Autoimmun Rev 2014; 13(4-5): 518-24.
- 4- Liu S, Li C, Xing Y, Tao F. Effect of transplantation of human embryonic stem cell-derived neural progenitor cells on adult neurogenesis in aged hippocampus. Am J Stem Cells 2014; 3(1): 21-6.
- 5- Joyce N, Annett G, Wirthlin L, Olson S, Bauer G, Nolta JA. Mesenchymal stem cells for the treatment of neurodegenerative disease. Regen Med 2010; 5(6): 933-46.
- 6- Tisato V, Naresh K, Girdlestone J, Navarrete C, Dazzi F. Mesenchymal stem cells of cord blood origin are effective at preventing but not treating graft-versus-host disease. Leukemia 2007; 21(9): 1992-9.
- 7- Zhang J, Li Y, Chen J, Cui Y, Lu M, Elias SB, et al. Human bone marrow stromal cell treatment improves neurological functional recovery in EAE mice. Exp Neurol 2005; 195(1): 16-26.
- 8- Hoveizi E, Tavakol S, Ebrahimi-Barough S. Neuroprotective Effect of Transplanted Neural Precursors Embedded on PLA/CS Scaffold in an Animal Model of Multiple Sclerosis. Mol Neurobiol 2015; 51(3): 1334-42.
- 9- Harris VK, Yan QJ, Vyshkina T, Sahabi S, Liu X, Sadiq SA. Clinical and pathological effects of intrathecal injection of mesenchymal stem cell-derived neural progenitors in an experimental model of multiple sclerosis. J Neurol Sci 2012; 313(1-2): 167-77.
- 10- Harris VK, Faroqui R, Vyshkina T, Sadiq SA. Characterization of autologous mesenchymal stem cell-derived neural progenitors as a feasible source of stem cells for central nervous system applications in multiple sclerosis. Stem Cells Transl Med 2012; 1(7): 536-47.
- 11- Woodbury D, Schwarz EJ, Prockop DJ, Black IB. Adult rat and human bone marrow stromal cells

- differentiate into neurons. *J Neurosci Res* 2000; 61(4): 364-70.
- 12- Sanchez-Ramos J, Song S, Cardozo-Pelaez F, Hazz C, Stedeford T, Willing A, et al. Adult bone marrow stromal cells differentiate into neural cells *in vitro*. *Exp Neurol* 2000; 164(2): 247-56.
  - 13- Mezey E, Chandross KJ, Harta G, Maki RA, McKercher SR. Turning blood into brain: cells bearing neuronal antigens generated *in vivo* from bone marrow. *Science* 2000; 290(5497): 1779-82.
  - 14- Brazelton TR, Rossi FM, Keshet GI, Blau HM. From marrow to brain: expression of neuronal phenotypes in adult mice. *Science* 2000; 290(5497): 1775-9.
  - 15- Weimann JM, Johansson CB, Trejo A, Blau HM. Stable reprogrammed heterokaryons form spontaneously in Purkinje neurons after bone marrow transplant. *Nat Cell Biol* 2003; 5(11): 959-66.
  - 16- Wagers AJ, Sherwood RI, Christensen JL, Weissman IL. Little evidence for developmental plasticity of adult hematopoietic stem cells. *Science* 2002; 297(5590): 2256-9.
  - 17- Morshead CM, Benveniste P, Iscove NN, van der Kooy D. Hematopoietic competence is a rare property of neural stem cells that may depend on genetic and epigenetic alterations. *Nat Med* 2002; 8(3): 268-73.
  - 18- Kögler G, Sensken S, Wernet P. Comparative generation and characterization of pluripotent unrestricted somatic stem cells with mesenchymal stem cells from human cord blood. *Exp Hematol* 2006; 34(11): 1589-95.
  - 19- Kögler G, Somville T, Göbel U, Hakenberg P, Knipper A, Fischer J, et al. Haematopoietic transplant potential of unrelated and related cord blood: the first six years of the eurocord/netcord Bank Germany. *Klin Pädiatr* 1999; 211(04): 224-32.
  - 20- Tio M, Tan KH, Lee W, Wang TT, Udolph G. Roles of db-cAMP, IBMX and RA in aspects of neural differentiation of cord blood derived mesenchymal-like stem cells. *PLoS One* 2010; 5(2): e9398.
  - 21- Wang T, Tio M, Lee W, Beerheide W, Udolph G. Neural differentiation of mesenchymal-like stem cells from cord blood is mediated by PKA. *Biochem Biophys Res Commun* 2007; 357(4): 1021-7.
  - 22- Deng W, Obrocka M, Fischer I, Prockop DJ. *In Vitro* Differentiation of Human Marrow Stromal Cells into Early Progenitors of Neural Cells by Conditions That Increase Intracellular Cyclic AMP. *Biochem Biophys Res Commun* 2001; 282(1): 148-52.
  - 23- Hou L, Cao H, Wang D, Wei G, Bai C, Zhang Y, et al. Induction of umbilical cord blood mesenchymal stem cells into neuron-like cells *in vitro*. *Int J Hematol* 2003; 78(3): 256-61.
  - 24- Lee OK, Kuo TK, Chen WM, Lee KD, Hsieh SL, Chen TH. Isolation of multipotent mesenchymal stem cells from umbilical cord blood. *Blood* 2004; 103(5): 1669-75.
  - 25- Tropel P, Platet N, Platet JC, Noel D, Albrieux M, Benabid AL, et al. Functional neuronal differentiation of bone marrow-derived mesenchymal stem cells. *Stem Cells* 2006; 24(12): 2868-76.
  - 26- Nemati Sh. Differentiation of human bone marrow mesenchymal stem cells to neural-like cells *in vitro*. *Tehran University Medical Journal* 2009; 67: 527-34. [Article in Farsi]
  - 27- Kashafi E, Karimi Jashni H, Erfaniyan S, Soljhou K, Sepidkar A, Fakhrynia H. Transdifferentiation of human synovium-derived mesenchymal stem cell into neuronal like cells *in vitro*. *Pars Journal of Medical Sciences* 2013; 11(2): 39-49.
  - 28- Taran R, Mamidi MK, Singh G, Dutta S, Parhar IS, John JP, et al. *In vitro* and *in vivo* neurogenic potential of mesenchymal stem cells isolated from different sources. *J Biosci* 2014; 39(1): 157-69.

Original Article

## Isolation, expansion, and *in vitro* differentiation of human umbilical cord blood mesenchymal stromal cells into neural progenitor cells

Rafieemehr H.<sup>1,2</sup>, Kheirandish M.<sup>1</sup>, Soleimani M.<sup>3</sup>

<sup>1</sup>Blood Transfusion Research Center, High Institute for Research and Education in Transfusion Medicine, Tehran, Iran

<sup>2</sup>School of Alliel Medicine, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran

<sup>3</sup>Department of Hematology and Blood Banking, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

### Abstract

#### Background and Objectives

Umbilical cord blood, as a source of mesenchymal stromal cells, has many advantages compared to other sources. This study aimed to provide a new method for the *in vitro* neural differentiation of human umbilical cord blood derived mesenchymal stromal cells (MSCs hUCB).

#### Materials and Methods

In this experimental study, MSCs hUCBs were isolated and characterized by morphologic, adipogenic, and osteogenic differentiation and immunophenotypical analysis. Then, neural induction of MSCs hUCB was performed by using RA, bFGF, NGF, EGF, AsA, IBMX, and neurobasal medium. Then, the relative expression of neural-specific genes was investigated by quantitative real-time PCR assays, REST 2009, and SPSS 11.5 software.

#### Results

Our results showed the osteocytic and adipocytic differentiation capacity and fibroblast-like morphology of MSCs hUCB. Flow cytometry analysis of MSCs hUCB revealed that the cells are positive for CD105 (78%), CD73 (78%), and negative for CD45 (2%), HLA-DR (2.5%). The cells showed the remarkable transition from fibroblast-like morphology to nueral progenitor cells. The results showed that the expression of GFAP, MBP, nestin, MAP-2 genes after neural induction significantly increased in comparison with that of the control as measured by quantitative real-time PCR assays ( $p < 0.05$ ).

#### Conclusions

Treatment of MSCs hUCB with a set of growth factors and chemical materials induces neural differentiation and increases the efficiency of cell-based therapy for neurodegenerative diseases in the future. Although, the functionality of neural progenitor cells must be carefully assessed in animal models prior to use in clinical application.

**Key words:** Mesenchymal Stromal Cells, Cell- and Tissue-Based Therapy, Cell Differentiation

Received: 7 Feb 2015

Accepted: 28 Apr 2015

**Correspondence:** Kheirandish M., PhD of Immunology. Associate Professor of Blood Transfusion Research Center, High Institute for Research and Education in Transfusion Medicine.  
P.O.Box:14665-1157, Tehran, Iran. Tel: (+9821) 82052208; Fax : (+9821) 88601599  
E-mail: m.kheirandish@ibto.ir